

پيام دانشجو

"جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند."
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

ارگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

مرداد ماه ۱۳۴۳ بها: ۵ ریال

۱۴ مرداد

دوازدهمین شماره

یادبود انقلاب مشروطیت حساسه قرن ما

۱- ۱۴ مرداد- یادبود مشروطیت حساسه قرن ما
 ۲- یازده سال پس از صدور
 ۳- اصلاحات ارضی - تلاش مذبحخانه
 ۴- اخبار
 ۵- ترور در دانشگاه
 ۶- محکومیت آزادی
 ۷- در راه توسعه فقر سیاه
 ۸- در راه توسعه جهل

خاطره اشخار آرزو از انقلاب مشروطیت ایران را گرامی میداریم و بیوان آزادگانی که در راه انقلاب جنگیدند و لیرانه بخاطر آزادی جان سپردند درود می فرستیم. انقلاب مشروطیت در تاریخ ملت ما حماسه ای پرشکوه و بیست و طین افتخار آمیز است. برای آزادی سرداران این انقلاب در گنبد افلاک ابد فرزندان ایران را به پیکار پیگری بروضد هلداری و بیعدالتی فرامیخواند. انوس که میراث انقلاب در اثر اوضاع و احوال اجتماعی زمان بدست مردمی سپرده شد که جاودانه دشمن انقلاب و آزادی بودند و بر اثر آن مردم ایران از لیویها و پایدیهایی پدران خود طرفی نبستند. مشروطیت بهانه ای برای کسب جاه و مال و مقام و منصب گشت و فرزندان پادشاهها آنها که آزادی می خواستند و آزادی را با نثار خون خود بدست آوردند با رد دیگر بدست کسانیکه بنام مشروطه و آزادی جنایت میکردند اسیر شدند.

پس از سالهای اول انقلاب بنام آزادی آزادیهای اساسی از ملت سلب شد و بنام قانون شکنی آغاز گردید اگر آزادی و عدالتی که ستارخانها برای ما میراث گذاشته بودند حفظ شده بود کشور ما امروز دچار این وضعی ناهنجار نبود و وضعی که آزادمندان در فید و بند اسیرند و دهانها دوخته است و صاحبان زور و زر هلداران و دشمنان آزادی بر همه بشنون زندگی مردم مسلطه.

امروز از مشروطه تنها نام بیمنائی باقیست و از آزادی اصولاً نشانی نیست. مبارزه ملت ما برای استقلال و آزادی برای باز پس گرفتن میراث امزنده مشروطیت و در جهت بدست آوردن آنچه پدران ما با رنج و ستاین خانها برای نسلهای آینده برجای گذاشته بودند با همان ایمان و عقیده و شور و شوق باید آغاز گردد و به کسب آزادی و استقلال پایانجامد.

xxxx

در برابر شهیدان راه انقلاب مشروطیت سرتعظیم فرود میآوریم و پیمان می بندیم که در راه آزادی و استقلال ایران پیکار کنیم و این عمل را جاودانه فرزندان نگهداریم.

پس از رجاء سائن مطالعه و تجربه باین نتیجه رسیدم که جز با تأمین آزادی و استقلال ممکن نیست ملت ایران سحران بر مشکلاتی که در راه سعادت و عظمت خود دارد غلبه کند. برای نیل باین منظور تا آنجا که توانستم کوشیدم. راست است که هرخواهند سرنوشت من و خانواده ام را درس عبرت دیگران کنند ولی من مطمئنم که نهضت ملت ایران تا موثر یعنی نهضت و هرگز فراموش نمیکند که سرنوشت افراد در مقابل حویسات و استقلال ملل بی ارج و بی ادبی است. تنها نیرویم اینست که ملت ایران اهمیت نهضت ملی خود را بخوبی درک کند و بهیچ صورت از تعقیب راه پر افتخاری که رفته است دست نکند.

از مسئولان دکتر مصدق پیشوای ملت در دادگاه فرمایشی نظامی.

پازده سال پس از مصدق

قرن بیستم خصوصاً "نیمه دوم آن قرن شگفتی‌های فراوان و پیشرفت‌های سرسام آور است آنگاه رشد و توسعه در همه زمینه ها چنان سریع است که لحظه ها و ساعات در طراز ماهها و سالهای قرون گذشته قرار دارند. ترقیات علمی و فنی و رشد و توسعه سریع اقتصادی کشورهای گوناگون آزاد شدن ملت‌های آسیا و چهره زمان ما را دگرگون کرده است. هیئت‌های حاکم کشورهای که درک صحیح از این آنگاه ندارند یا آنکه بمناسبت نوکری استعمار نو کیفیات و شرائط محیط خود را متناسب با این پیشرفت نمیکنند در تاریخ بعنوان خائن به مصالح ملت خود شناخته خواهند شد. کشورهای عقب نگه داشته شده چنانچه حرکت سریعی را برای همراهی با این رشد و توسعه شگفت انگیز آغاز نکنند در چند سال آینده چنان از قافله رشد و توسعه باز خواهند ماند که تقریباً "امیدی بتوفیق آنها نخواهد بود و از زمره اینکشورها کشورماست که هیئت حاکمه فاسد و مستبد متکی به استعمار و فرصت‌های تاریخی فراوانی را از دست ملت ایران بدر برده و همچنان این نقش اهریمنی را ادامه میدهد

xxxxxxxxxxxx

پس از پیروزیهای درخشان سالهای نخستین مشروطیت که با نیرنگها و خدعه‌های استعمار و عوامل داخلی آن از مسیر واقعی منحرف گردید دو ران طلائی حکومت دکتر مصدق دوران باروری مجدد نهضت ملت ایران و یافتن راه صحیح برای پیروزیهای اساسی بود. پیشوای ملت با پایه استقامت ملی ایرانی و مبارزه آشتی ناپذیر علیه استعمار و تهدید در راه هدف اصلی و اساسی نهضت یعنی استقلال ایران گامهای بلند برداشت. پیروزیهای ملت یکی پس از دیگری غرور دیرینه را در ملت که سالها بیدار کرد ملت ایران اندک اندک آماده میشد که رشد و توسعه سریعی را که درخور نام و افتخارات گذشته اش بود آغاز کند، اما ارتجاع سیاه استبداد و استعمار نو دست بدست هم دادند و با برپاساختن کودتای ۲۸ مرداد پیروزیهای گذشته را از میان بردند و در راه توسعه و ترقی بعدی نیز سدی روئین بنا کردند.

بجای اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی کشور ما بعد از ۲۸ مرداد یعنی در طی ۱۱ سال گذشته بخوبی نشان میدهد که نتایج وحشتناک کودتای ۲۸ مرداد چگونه است. بررسی این نتایج هراس کشنده‌ای تولید میکند. ترس و هراس از عقب ماندگی همیشگی ترس از اینکه هیچگاه ملت ما در اثر خیانت و جنایتهای هیئت حاکمه فاسد خود نتواند راه راست کند و در میان ملل متمدن جهان جای واقعی خود را اشغال نماید.

۱- روشنگریهای سیاسی

بنای حکومت ملی دکتر مصدق بر پایه حفظ وحدت ملی و سیاست مستقل ایرانی و حفظ استقلال ایران گذاشته شده بود در این راه دکتر مصدق ملت ایران را طوری آماده کرد که از همه چیز خود بگذرند اما استقلال ایران ملمبه دست استعمار بین المللی نشود. ملی کردن نفت و خلع ید و قطع رابطه با دولت انگلیس تجلیات این سیاست و بیان کننده روحیه ملت ایران در مبارزه با استعمار بود.

پس از ۲۸ مرداد حکومت فاسد ایران چون عامل بیگانه بود و تکیه گاهی در میان مردم نداشت همانطور که قبل از حکومت ملی پیشوا سابقه داشت با دیگر خود را بدامان استعمار انداخت. با دولت انگلیس رابطه قطع شده را بدون آنکه علل قطع رابطه از میان رفته باشد تجدید کرد و حتی بمناسبت ورود نماینده دولت انگلیس و بعنوان خوش آمد وی سه تن از دانشجویان را در دانشگاه قربانی کرد و بهای وی انداخت.

مسئله نفت به بدترین وجه ممکن و تحت فشار حکومت‌های انگلیس و آمریکا و با مشارکت یفماگران بین المللی نفت حل شده. قرارداد کنسرسیوم با چنان عجله‌ای تهیه و تصویب گردید که در تاریخ قراردادها کمتر نظیر دارد رئیس هیئت مدیره شرکت نفت در ان زمان سهام السلطان بیات متن قرارداد انگلیسی را بدین آنکه بداند محتوی آن چیست امضا کرد و این فریبکاری و یفماگری بعدی علنی بود که در مجلس دست نشانده هجدهم نیز بدان اشاره گردید.

با عقد قرارداد کنسرسیوم ملت ایران برای ۴ سال دیگر از استفاده* منابع نفتیش محروم گردید و با بازگشت کارشناسان خارجی همه* مفهوم خلع ید یکباره از میان رفت.

در حال حاضر وابستگیهای عجیب و غریب سیاست خارجی ایران بدولتهای مختلف و نوسانات شدند و پی در پی این سیاست حکومت ایران را مورد مسخره و ریشخند همه* ملل جهان قرار داده است. جهت گیریهای گوناگون بدون آنکه نفی را عاید ایران کرده باشد ضرورهای جبران ناپذیری بملت ایران و تمامیت ارضی ایران زده است. در چند سال پیش نصبه فیروزه از دست ایران رفت و اکنون نیز جزایر متعلق با ایران در خلیج فارس مورد تهدید قرار گرفته اند بحریسن که بمنوا، استاز چهاردهم ایران از آن یاد میشود و در زمان حکومت ملی پیشوا تقریباً "حاکمیت ایران بر آن مستقر شده بود از دست ایران خارج شده است. نمایندگان ایران در خارج از کشور بواسطه عدم تبصیر از اصول از طرف دولت ایران مورد اهانتهای قرار میگیرند. در مجامع بین المللی اهمیت و ارزش حکومت ایران از میان رفته است. این اهانتهای تا حدی که متوجه حکومت ایران باشد و دامن ملت ایران را نگیرد مورد نگرانی نیست نگرانی ما و همه آزادیخواهان و استقلال طلبان ایران در اینست که ادامه این سیاستهای ضد ملی ملت ایران در برابر ملت های جهان موهون و خوار نماید این امر از طرف ملت ایران قابل تحمیل نیست و چون سیاست هیئت حاکمه فاسد را در این مورد بر خلاف مصالح ملی و استقلال ایران میبینند با روی سر جنگ و ... دارد.

۲ - بحران اقتصادی

در زمان حکومت ملی پیشوا با آنکه در آمد سرشار نفت بملت دشمنی دولتهای استعماری با ایران قطع شده بود با اندکی فداکاری از جانب مردم و درایت و روشن بینی مسئولین اقتصادی برنامه يك اقتصاد ملی و سالم تنظیم و اجرا گردید. تز اقتصاد بدون نفت حکمت پیشوا با موفقیت عظیمی رو بر گردید براساس این برنامه صادرات رونق یافتند و واردات غیر ضروری تقلیل یافت. پیشوا با این مسئله اساسی توجه کرد که درآمد نفت تنها متعلق بنسل کنونی نیست نسلهای آینده نیز چون گذشتگان خود در این منابع صاحب حقد بنا بر این درآمد نفت در هر حال باید بمصرف کارهای تولیدی و سرمایه گذاری اصولی برسند.

پس از کودتا برای آنکه همه آثار حکومت ملی بکلی از میان برود. شود اقتصاد ملی مملکت را هم که براساس تز واقع بینانه قرارداد دست در هم ریختند. مسئله نفت با خیانت آمیز ترین وضع ممکن حل شد و درآمد آن بانها مختلف جزو بودجه عمومی مملکت قرار گرفت و با اتخاذ سیاست دروازه های باز همه* ارز مملکت بخارج رفت تا جائیکه وقتسی شریف امامی آمد اعلام کرد که تنها برای مصرف یکروز ارز در خزانه باقیست و این مطلب در مورد مملکتی گفته شد که روزی آنقدر ارز داشت که اقتصاد دانهای احسن دستگاہ برای از بین بردن آنها عنوان " تورم ارزی " را پیش کشیده بودند. اقتصاد مملکت بدنبال این عملیات مسموم بجائی رسید که امینی اعلام ورشکستگی اقتصادی کرد و بدنبال آن کمکهای خارجی قطع گردید و مملکت از لحاظ اقتصادی باستانه سقوط رسید. نتایج این سیاست حکومت کودتا در ۱۱ سال گذشته بیش از حد تصور به ننگ آمیخته است وضع اسف بار اقتصاد مملکت با همه* ادعاهای نامربوط و مالیخولیائی که در طی ۱۱ سال گذشته کرده اند چنین است:

الف - تورمی قیمتها مطابق آمار بانک ملی در سال ۳۱ شاخص کل وسائل اولیه زندگی (خوراک و مسکن و سوخت و پوشاک) ۹۰۹ برده است این شاخص قیمتها را در سال ۳۸ ۱۸۸۴ یعنی بیش از دو برابر سال ۳۱ نشان میدهد . تورمی قیمتها بدین حد نشانه شکست واقعی حکومت کودتا در ساختن بهشت خیالی است. بموازات این تورمی قیمتها چنانچه در مدها مالا میرفت کمتر جای ایراد بود اما میدانیم که در طی این مدت تنها حقوق نماینده گان منتصب مجلس شورای ملی پس از خوش خدمتی هائیکه برای انعقاد قرارداد کنسرسیوم و بعد از آن کردند بدو برابر افزایش یافت

نهضت ادامسه دارد

و اخیراً نیز بعنوان کمترین هزینه برای کرایه منزل حتی بدون تصویب هیات خودشان مجدداً "مقداری اضافه دریافت میکنند" حقوق و زرا و از ما بهترین هم افزایش یافته است اما در حقوق کارمندان تغییر چندانی حاصل نشده است کارگران و کشاورزان و بازرگانان و پیشه‌وران در اثر ورشکستگیها و بحرانهای پی در پی نه تنها به درآمدشان اضافه نشده است بلکه مراعاته خطر بیکاری تهدیدشان میکند بدین ترتیب میتوان دریافت که ترقی قیمتها تا چه حد زندگی را بر عامه مردم مملکت ما سخت کرده است .

از سال ۱۳۳۰ بانات مرکزی برای آنکه رابطه را با گذشته قطع کند و امکان مقایسه و محاسبه با گذشته کمتر باشد در کاهش هزینه زندگی تجدید نظر کرد و سال ۱۳۳۸ را بجای سال ۱۳۱۵ بعنوان سال مبنی گرفت با این همه هزینه زندگی در بورد ترقی است قیمت برفی از کالاها در سال ۴۲ بدین قرار است : سوخت ۱۱۷ - مواد خوراکی ۱۰۶ - مواد خوراکی از منشاء حیوانی ۱۱۸ - مسکن ۱۰۶/۵ و پوشاک ۱۰۷/۵ .

با توجه باین که در سطح درآمد تصیری حاصل نشده است این ترقی قیمتها همراه با بیکاری طاقت فرسا است .
 ب - رکود در امور سرمایه گذاری تغییرات حاصل در واردات ماشین آلات و آهن و چدن و فولاد و غیر اینها نمودار منحنی جهت سیر فعالیت های سرمایه گذاری است اعتبارات گشایش یافته و بریات وصولی آهن آلات و ماشین های کشاورزی صنعتی و الکتریکی از سال ۳۸ تا ۴۱ (خرداد ماه هر سال به میلیون ریال) بشمار زیر است :

آهن آلات	ماشینها و کشاورزی صنعتی و الکتریکی	خرداد ۳۸	خرداد ۴۰	خرداد ۴۱
۵۰۰	۶۴۰	۵۴۰	۳۵۰	۱۹۰
۷۴۰	۵۸۰	۵۳۰	۳۴۰	

این نمودار نشان میدهد که نتیجه انقلاب صنعتی مصرف کمتر آهن آلات و نتیجه انقلاب کشاورزی استفاده نکردن از این ماشینهاست .

بیکاری بدون تردید مشخص کردن تعداد واقعی بیکاران ممکن نیست زیرا مرجع و مرکزی که مردم بدان امید داشته باشند وجود ندارد تا بانجا مراجعه کنند و نام خود را برای یافتن کار ثبت نماید . اکثریت قریب با تفاق مردم بیکار هستند این بیکاری بدو صورت بیکاری پنهان و بیکاری آشکار است . خیلی عظیم دهقانان که در قسمت اعظم سال بیکارند گروه بی شمار کسانیکه در شهرها بکارهایی از قبیل شانه فروشی و بلیط بخت آزمایی فروشی و نظایر آن میپردازند و خود با صاحب کار مبادانند در واقع بیکار هستند . آمار اداره مشاغل و کار بازرگانی وزارت کار که تنها نشان دهنده قسمت ناچیز بیکاران است در مورد یکی از بهترین از شهرهای ایران بیان کننده واقعیت اسفباری از شدت بیکاریست .

سال	تعداد بویندگان کار	کسانیکه بکارگماشته شدند	درصد بکارگماشته شده
۱۳۳۹	۲۱ ۴۶۸	۵ ۹۱۰	۲۸
۱۳۴۰	۵۲ ۵۵۰	۶ ۶۹۸	۱۳
۱۳۴۱	۴۷ ۰۵۲	۸ ۳۹۸	۱۸
۱۳۴۲ ششماه اول	۳۹ ۴۸۱	۴ ۳۰۹	۱۱

مهر شهرائی رشد اقتصادی که نتیجه بحرانهای پی در پی سالهای اخیر و مصروف پورنها در راه لوکس و هزینه های مصرفی و نپرداختن بکارهای تولیدیست بیکاری را با این وسعت و شدت با و زمان آورده است بیکاری آشکار و بیکاری پنهان که مجموعاً "لااقل ۸۰٪ مردم را در کام فقر غیر قابل تحمل اسیر دارد نه تنها موجب بیچارگی و رونج و محنت بیکاران است بلکه در زندگی کسانی هم که کار دارند تاثیر بسزا دارد اگر دیپلمهای کشور کار مبداشتند گرفتار بهره کشش ناجوانانند دستگاه حاکمه و وزارت فرهنگ نمیدانند تا آنها را با روزی حداکثر ۲ تومان بکار مصلحتی وادارد .

وسعت بیکاری در سطح دستمزدها تأثیر نامطلوب و شدیدی گذاشته است شاخص کل دستمزد دو گروه از کارگران ساختمان
تنزل سطح دستمزدها را نشان می‌دهد :

شهریور ۳۸	شهریور ۳۹	شهریور ۴۰	شهریور ۴۱	شهریور ۴۲
۱۱۳/۷	۱۱۵/۷	۱۰۶/۷	۱۰۱/۳	۹۹/۳

و اگر باین نکته توجه کنیم که در سال ۱۳۳۸ زندگی کارگران ساختمانی با دستمزدهایشان تأمین نمیشده است آثار
سوء تنزل دستمزدها که نتیجه بیکاری شدید است روشن تر خواهد شد .
د - دخالت دولت صورت نظر از سوء سیاستها که اقتصاد مملکت را بورشکستگی کشانده است دخالتهای مستقیم و عمدی
دولت در بیچاره تر کردن مردم قابل توجه است . وضع مالی خزانه نشان میدهد که هر سال در آمد دولت از مالیت
های غیر مستقیم زیادتر میشود با توجه باین نکته که اکثریت قریب با تفاق مردم در حد گرسنگی و فقر مزمن بسر
میبرند افزایش در آمد دولت از مالیاتهای غیر مستقیم بمعنی دهن کجی به مردم و گرفتن آخرین رمق ایشان و دشمنی
اشکار با آنهاست . افزایش در آمد دولت از محل افزایش قیمت قند و شکر و در آمد دادگستری و ثبت اسناد و
دریافت شهریه گزاف از دانشجویان بمنوان باج تحصیل همه و همه نشانه عناد دستگاه حاکم نسبت به ملت ایرانست
ه - فقر سیاه نتیجه افزایش قیمتها بیکاری در اقتصاد پائین تر بردن سطح زندگی قاطبه مردم و
وساندن آنها بسپرد مرگ و زندگیست و نتیجه این فقر سیاه نحوه آمدن مردم از زندگیست تا حدی که دست بخودکشی
میزنند تا از شر فقر و بیچارگی رهایی یابند . هوش در روزنامهها از فروش فرزندان بوسیله پدران و مادران یا
کشتن آنها براهله عدم قدرت در اداره زندگی آنها خبرهای مفصل دیده میشود در دست گران بعلت فقر و ناداری
مختاران را اشکارا میفروشند حداکثر قیمت در این منطقه ۸۰۰ تومان است .

و - سیاست پولی و بازرگانی برای از بین بردن رکود اقتصادی نرخ تنزیل از ۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافت
اما این کاهش هیچگونه تأثیری در وضع بازار نکرد . بی اطمینانی و عدم تأمین قضائی سوء سیاست موجب گردش کند
پول در بازار است و این دستگاه نیز نمیتواند اطمینان را ببازار باز گرداند و در نتیجه رکود ادامه خواهد یافت
و امهای خارجی سالیان دراز دست و پای مردم ما را در بند نگاه خواهد داشت . در سه سال اخیر آنقدر هیئت حاکم
ایران بی ابرو شده است که از پرداخت وام به وی خودداری میشود کمکههای بلاعیض هم قطع گردیده است اما هنوز مردم
با یدمدتهای مادید تقاص عیاشیها و دزدیهای سالهای گذشته گردانندگان امور را پس بدهد این وامها که از یکطرف
بایران آمد از دروازه دیگر بوسیله متنفذین خارج شد و بحساب شخصی آنها در بانکهای فرنگی ریخته شد و قسمتی دیگر
از آن بکارشناسان بیمایه و شرکت های کلاهبرداری خارجی نظیر جان مولم پرداخت گردید . بنای سیاست بازرگانی دولت
پس از ۲۸ مرداد تحت تأثیر و بخواست دولتهای استعماری که تنه در آمد نفت را هم میخواستند و با جمعی از اعضای
تاجر حکومت شریک بودند بر تحدیده انارات و تشویق صادرات و درین کلمه سیاست دروازههای باز گذاشته شد . این
سیاست آخرین نایب توان اقتصادی ایران را هم از بین برد . افزونی کالاهای مصرفی و تجملی و عدم توجه به کالاهای
تولیدی نتیجه اقدامات اقتصادی ۱ سال اخیر است .

ز - در آمد نفت

طلای سیاه ایران مورد نظر دولتهای استعماری جهان است در دست داشتن منابع نفتی ایران
صرف نظر از اهمیت و ارزش سیاسی دارای ارزش حیاتی اقتصادی برای استعمار بین المللی است . دکتر مصدق پیشوای
ملت که این جریان حیاتی استع را قطع کرده بود بالآخره با دسایس و نیرنگها و دخالتهای علنی و غیر علنی
استعمار بزنندگان افتاد . ایدز در شب پس از سقوط حکومت دکتر مصدق براحتهی خوابید و آیزنهاور ساقط کردن حکومت
ملی پیشوا را از افتخارات خود نمرد . یغماگران بین المللی در باره بروی نفت ایران دست انداختند . اقتصاد
دانان و متخصصین نفت گفتند از قضیه نفت را حل نکنیم در چند سال آینده دیگر بنفت ما احتیاجی نخواهد بود .

واقع قضیه اینست که استعمارگران بنفست ما احتیاج داشتند و احتیاج دارند نوکران استعمار از خفقان استفاده کردند و در مجلس فرمایشی دوره هیجده قضیه نفت را بنفع استعمار بین المللی در قالب کنسرسیوم حل کردند. از آنسال تا کنون یعنی در ظرف دهسال گذشته مصرف نفت جهان دو برابر شده است اما سهم ایران از صادرات نفت خاورمیانه که قبل از ملی شدن صنعت نفت ۳۷٪ بود در اثر نوکری استعمار به ۲۱٪ تقلیل یافته است. قسمت مهمی از این درآمد بازم به عنوان فرامت شرکت سابق نفت پرداخت میشود. پالایشگاه آبادان تقریباً از کار افتاده است و یغماگران بین المللی در کوشش خود برای بردن نفت خام موفق شده اند.

با پیش فروش کردن نفت چند سال آینده به کنسرسیوم قید و بندهای مردم ما در این زمینه بیشتر شده است و استعمارگران با جلب نوکری هر چه بیشتر مقامات نفتی ایران توفیق یافته اند که در صف صادر کنندگان نفت خاور میانه شکاف بیندازند و قیمت مواد نفتی را در حدی که میخواهند نگهدارند.

در آمد ناچیزی هم که پس از غارتگریهای استعمارگران از نفت در عرض سالهای اخیر باقیماند صرف ساختن آسمان خراشهای بیمصرف به چند برابر قیمت هزینه های اداری تجملی و کارشناسان بی ارزش خارجی گردید و در این میان تعطیل پالایشگاه بیکاری گروه انبوه کارگران صنایع نفت و از میان رفتن این ثروت زیرزمینی و سلطه اقتصادی بیگانگان برای ملت ایران برجای ماند.

اصلاحات ارضی - تلاش مذبحخانه

بحران در پی بحران و رشکمتگی اخلاقی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی یکی پس از دیگری هیات حاکمه مستبد و بیکاره ایران را در تنگنا گذاشت. بعنوان آخرین تیر ترکش افسانه اصلاحات ارضی برای ساده لوحان خارجی مطن گردیدیم. بیست و دو سال از انقلاب اصلاحی در مورد زمین های زراعتی میگذرد دستگاه مدعی است که مرحله اول اصلاحات ارضی را بپایان رسانده و وارد دومین مرحله آن شده است. اما جواب این سوال منفی است که: آیا سیستم کهنه روابط کشاورزی دیگر متکی بر اصل تقسیم محصول بر حسب عوامل پنجگانه کار زمین آب گاو بذر نیست و آیا نسبت های آن بنفع کشاورزان تغییر یافته است؟ آیا آداب و رسوم که مالکین بوجود آورده اند از بین رفته است مسلماً نه.

آمار و ارقام گویاترین اسناد مسخره بودن این ادعا هاست و جالب توجه آنکه آمار و ارقام و گفته ها هم از خود دستگاه است و اعتراف اصلاح طلبان به قلبی بودن اصلاحاتشان مجموع دهات موقوفه - املاک خصوصی و سلطنتی بر طبق یکی از آمارها ۴۸۵۹۲ ده است که بنا ب ادعای وزیر کشاورزی در ۲۷/۱۲/۴۲ ۹۲۸۷ ده خریداری شده است. و البته قسمت مهمی از این دهات خریداری شده هنوز بدستان فریخته نده شده است با خرید این مقدار ده مرحله اول پایان پذیرفته است.

یعنی بطور کلی فقط ۱۶/۵ درصد کل دهات ایران خریداری شده است که قسمت کمتری از آنها بین دهقانان تقسیم شده است حال آنکه بادعای خودشان ۶۰ تا ۷۰ درصد کل دهقانان ایران بدون زمین هستند. تعداد خانواده های روستائی ایران طبق نمونه گیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ ۳/۲۱۸/۴۶۰ خانوار است که اکنون فقط مطابق نظر وزیر کشاورزی تنها ۲۸۴۵۵۹ خانوار یعنی ۸/۵ درصد کل خانوار صاحب زمین شده اند. در آمارها از وسعت زمین های تقسیم شده و خصوصاً در صد زمین های متمکن به عمده مالکین و مالکین سرشناس رسمی برده نشده است. بیان این آمارها دلیل آنکه تعداد دهات عمده مالکین (که بین ۱۴ تا ۱۸ هزار صورت داده اند) بسیار کم ^{بوده} موجب سرافکنندگی اصلاح طلبان شده است.

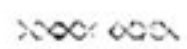
مطابق نوشته کتاب "مالک و زارع در ایران" ۷۵ درصد دهقانان در اراک فاقد زمین هستند در آذربایجان قسمت اعظم ارضی بعهده مالکان تعلق دارد فارس و خراسان و تقریباً تمام کردستان در دست عمده مالکان است. قسمت عمده خوزستان کرمانشاه و تقریباً تمام کرمان عمده مالکی است در حوالی تهران که برخی املاک وسیع گزانبها دیده میشود قسمت عمده را املاک آریایی تشکیل میدهد و از این استانها و شهرستانها در فارس ۵٪ خراسان ۱۷٪ کردستان ۲۵٪ خوزستان

درود بدانشجویانی که بدستور جهانشاه صالح بعنوان تنبیه به بازی برده شده اند

۲۵٪ کرمانشاه ۳۳٪ و تهران ۱٪ اسما تقسیم شده است. در یزد از ۲۰۰۰ ده حتی يك دهه خرید شده است. در بلوچستان و سیستان از ۱۲۸۳ ده فقط ۲ ده تقسیم شده است در بنادر خلیج فارس از ۵۶۱ ده و در بنادر بحر عمان از ۷۵۴ ده تنها ۱۶ ده تقسیم شده است.

در مازندران ۱۱ درصد در گیلان ۱۲ درصد در آذربایجان غربی ۱۵ درصد دهات خرید شده است. اینها ادعای دستگاه در مورد خریدهها و فروشهاست که تازه قسمت قابل توجهی از این خرید و فروشها اسمی است. با این خریدها و فروشها مدعی بهم زدن روابط ارباب و رعیتی شده اند اما کماتیکه با این نوعی پس از انقلاب و اصلاحات ارضی مسافرت کرده اند اضطراب و ناراحتی کشاورزان را به چشم خود دیده اند. مشاهده کرده اند زمین بدون آب و بذر روی دست جمعی کشاورزان بی پشت و پناه که برای غذای چند روز آینده خود معطل است باقی مانده است خوش نشین با بیچاره تر از کشاورزان صاحب زمین و بدون هیچ آملیدی با آینده در یاس کشنده ای بسر میبرند.

در کنار جاده ها مرتب تا بلوهای شرکت های تعاونی دیده میشود کشاورزان از همه جا بی خبر با هیمانندگی خود را فروخته و سهم شرکت تعاونی خریدارند اما بانک کشاورزی که باین بقیه سرمایه شرکت را بدهد از پرداخت سهم خودداری کرد و در نتیجه فقط اسمی از شرکت تعاونی بر روی تابلوی کنار جاده بچشم میخورد و تازه مجموع این شرکت های اسمی در پایان سال گذشته ۳۳۴ عدد است فقدان سرمایه و راه گمراه با ایجاد اختلاف هر چند بیشتر در دهات و ایجاد دو گروه کشاورز صاحب زمین و خوش نشین حتی سازمان اقتصادی علم شریف و عدالتی کشاورزی ایران را بهم زده و هرج و مرج غیر قابل تعاطی را ایجاد کرده است نتیجه این انقلاب در سال گذشته از همتی مناطق بدون گروه عظیمی از روستائیان کشور و هجوم آنان به شهرها بوده است و سرمایه اش در سال جاری و سال های آینده کمبود محصول و بدبختی و بیچارگی بی چاره بیشتر همه درام ایران خواهد بود که طلایه آن با کمبود گندم و خرید آن از خارج خود نمائی میکند و پس شك این آغاز کار و تجلی اثرات انقلاب و اصلاح است



نظر سر بهج و کلی بوضع ایران در یازده سال گذشته بیلان عملیات حکومت کودتا و بهره استبداد و بازگشت استعمار نو با ایران است. صفحات این بیلان بیان کننده حبس ها و زجرها و شکنجه ها ورنه هاست. رهج و دردی که شانه های ناتوان ملت که پنهان ما را در زیر بار مهمکین خود خرد کرده است و ملت شهرمان ما را به این یوز سیاه انداخته است. تاریخ در برابر شهرمانیهای ملت ما در تحصیل این همه رنج و درد و تعلیم فرود خواهد آورد و پیکار وی را برضه این استبداد و استثمار نشک آلود و غیر انسانی برای بهبود و روزی خود نصین خواهد کرد.

بقیه این کارنامه را در شماره آینده بخوانید

آخرین اخبار

تهران توقیفهای غیر قانونی در تهران همچنان ادامه دارد. در روزهای اخیر آقایان دکتر عالی دکتر خمه ای و سه تن دانشجو آقایان مفیدی. جلال ضرابی و ذیل فیوشان بر خلاف قانون بوسیله حکومت آزادی کرا ایران توقیف شده اند. دوستان مبارز گراسی ما که از شب ۱۱ آذر ماه ۱۳۴۷ به جرم تدارک برگزاری یادبود شهیدان دانشگاه توقیف شده اند. بوسیله در خیابان حکومت از زندان وقت شهر آبی به زندان قصر منتقل گردیدند. همه این شکنجه ها و فشارها برای اینست که دانشجویان از مبارزه ای که برای استقلال و آزادی ایران آغاز کرده اند دست بکشند و به پستی سکوت تن در دهند اما دانشجویان همه دشواریها و سختی های مبارزه ای را که آغاز کرده اند بجان میپذیرند و تسلیم نمیشوند. در خیابان و عوامل استعمار و استبداد باید بدانند که نهضت ادامه دارد.

شهرستان نیریز بطوریکه از مشهد اطلاع میدهند آقایان علی مومنی دانشجوی دانشکده مفضل و منقول و فریدون دانشجوی پزشکی از خرداد ماه بطور غیر قانونی در بازداشت بسر میبرند. بقیه در صفحه ۹

دوره پسران و اعضای فدائیان که در مشهد است اینها را در شماره آینده بخوانید

تور در دانشگاه

چند سال پیش سازمان امنیت برای سرکوبی دانشجویان و ازمیان بردن مقاومت ایشان برنامه مفصلی تهیه کرد و میخواست که این برنامه را بوسیله آقای دکتر فرهاد رئیس دانشگاه اجرا کند. در این برنامه مشور شده بود که نخست دانشجویان مورد تحبیب قرار گیرند برای آنها انجمنهای از بین محافل رقص و شب نشینی درست کنند اگر این راه حل موثر واقع نشد دانشجویان را بزنند و بپندند و شکنجه کنند و اگر اینهم موثر نشد دانشگاه حمله کنند و از دانشجویان و استادان و عمارت های دانشگاه یکجا انتقام بگیرند اگر از این راه هم بجائی نرسیدند میتوانند دانشگاه را از عناصر آزاده خالی کنند دانشجویان را اخراج کنند و بسریازی بنویسند و در مرحله آخر دانشگاه را برای مدت چند سالی تعطیل کنند.

رئیس وقت دانشگاه تا آنجا که موقعیت و قدرتش اجازه میداد زیر بار این ننگ نرفت و به همین دلیل است مورد کم لطفی رئیس دولت فکلی دانشگاه و اربابان سازمان امنیتی اوست. قسمتی از این برنامه را با "بوسیله سازمان امنیت در گذشته اجرا شد انجمن ادب و سازمان رهبری جوانان ساخته شد و سرپرست بی پروای پهلوی برای سازمان دست و پا گردید تا بتواند جوانان را بشکند هرچه بیشتر. این برنامه با روشن بینی دانشجویان دلیر دانشگاه که مبارزه با همه مظاهر فساد تصور فرار دانشگاه شد. شکنجه و حبس هم موثر نشد فاجعه اول بهمن هم با همه وحشیگریها به نتیجه ای نرسید و دانشجویان را در مبارزه دلیر تر کرد. قرار شد فرمایشهای بهمنوان رئیس دانشگاه عهده دار این مقام گردد که هر چه را اربابانش گفتند اجرا کند. دانشگاه از عناصر آزاده آغاز گردید و هنوز هم این پستی ادامه دارد. بسیاری از دوستان دانشجویی ما بخاطر اجرای این برنامه سازمان امنیت در زندان بسر میبرند جمیع کتیربی بطور غیر قانونی بهمنوان تنبیه بسریازی برده شدند رژیم پلیسی هر روز بیشتر از روز پیشور دانشگاه حاکم میشود اما فشارها شکنجهها اخراجها صف مبارزه را فشرده تر کرده است.

برنامه خفه کردن صدای آزاد مردان در هیچ جای دنیا و در هیچ زمان به نتیجه مثبت نرسیده است در ایران نیز این نیرنگ های پلیسی و خوش رقصیهای عامل بست دستگاه رئیس تحبیبی دانشگاه بجائی نخواهد رسید دستگاه بهتر از هر کس میدانند که این مرحله از برنامه اثر هم با شکست مواجه شده است. کسانی که مبارزه را برای آزادی و استقلال ایران آغاز کرده اند با پنج و درد و محرومیت شکنجه پیمان دوپلتنی بسته اند و از استقبال آنها ابائی ندارند.

محوهیت آزادی

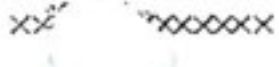
استبداد همواره مخالف آزادی است شرافت حق عدالت است. دیکتاتوری تحمل آزادی طلبی و آزادی خواهی و حکومت قانون را نمیکند در قلموس حکومت های فاسد آزادی خواه مفاثن است و باید دهان نفور را در وقت و سرش را از دم تیغ گذرانند. تاریخ حکومتها بی دیدن تئوری فرار از بیاد دارد که شیوه های یکمان در دشمنی با آزادی داشته اند و از این پس نیز شیوه این گونه حکومتها نظیر گذشته است و به همین علالت پیشبینی دشمنیهای مرتجع ها و مستبدان در حق آزاد یفخواهان دشوار نیست.

وقتی دادگاه فرمایشی تجدید نظر سرار دلیر و اعضای فلاکار جمعیت نهضت آزادی ایران رأی بصلاحتیت خود داد اعلام کردیم که از هم اکنون رأی فرمایشی این دادگاه معلوم است. روشن بود که مبارزان نهضت دست از عقیده خود بر نخواهند داشت و آزادی و حریت را مانند همه آزادگان جهان ارج خواهند نهاد تن به پستی و مذلت نخواهند داد

و زندان و شکنجه و مردن در راه عقیده را بر ریاست و وزارت و صدارت توأم با تئوری استثمار و استبداد ترجیح
خواهند داد .

شران و اعضای فداکار نهضت آزادی ایران در ظاهر محکوم شده اند اما محکومیت روحانی عالیقدر و خطیب زبردستی نظیر
آیه اله طالقانی اعتراف حکومت است به فساد مطلق و محکومیت مهندس بازرگان و دکتر سحابی اعلان و رشکستگی فکری
و فرهنگی حکومت ایران است محکومیت اعضای دلیر نهضت مهندس سحابی - دکتر شیبانی - علی بابائی - حکیمی بیسان
کننده این واقعیت است که در قاموس دستگاه آزادی کش ایران فداکاری دلیری آزادگی حق طلبی و فهم و شمرر داشتن
و حقایق را درک کردن جرم است .

بمه حکومت ها هنگام زوال با چنین صحنه سازیهای مسخره ای گور خود را کنده اند بگذار مردم روشنفکر مومن باخلاق
از وجود آیه اله طالقانی استفاده نکنند بگذار کرسی مهندس بازرگان و کلاس دهن سحابی خالی و بی فروغ باشد به
بگذار یاران مهندس سحابی و دکتر شیبانی و علی بابائی و حکیمی از دیدار آنان مدتی محروم باشند آزادی طلبی
و آزادبخواهی که از میان نرفته است . دوستان و یاران آیه اله طالقانی ها - بازرگان ها سحابی ها و بیشمارند
مدتی کم یا زیاد پیکار گروهی از یاران تا بصورت ماندن در سیاهچال زندان و تحمل زجر و شکنجه دستگاه قلدرو فلسف
حکومت ایران در آمده است دیگران نمرده اند و نباید بمیرند .



اخبار (بقیه از صفحه ۷)

آقایان قدسی و مظلوم و شریفیان و چندتن دیگر از اهالی آزاد مشهد زندانی هستند . آقایان خلیلی مومنی و نجاتی
پس از در ماه بازداشت غیر قانونی آزاد شده اند .

دانشجویان دلیر و مبارز سال دوم دانشکده پزشکی مشهد در سال گذشته دو برابر پرداخت شهریه گزاف دانشکده
مقاومت کردند . این مقاومت به نتیجه رسید دریافت شهریه موکول به بعد از ثبت نام گردید . دانشکده برای آنکه
دانشجویان را ناگزیر به پرداخت باج کند ایشان را به برگزاری امتحان آخر سال تهدید کرد لکن این تهدید
نیز موثر واقع نشد و دانشکده مجبور به برگزاری امتحانات گردید اکنون دانشکده به پیروی از منریات ضد فرهنگی
دستگاه حاکم ایران از اعلام نتایج امتحانات خودداری کرده و آن را موکول به پرداخت شهریه نموده است .
ما یقین داریم مقاومت دلیرانه دانشجویان این تصمیم جدید دانشگاه مشهد را که برخلاف تمام شرفین انسانی و فرهنگی
ملل متمدن است بار دیگر خنثی خواهد کرد نتیجه مقاومت همواره پیروزی است . پیروزی حق و عدالت بر ظلم و ستم و آزادی
و انسانیت بر بردگی و نامردمی .

در راه توسعه فشر سیاه

روشنفکران دولتی دسته گل تازه ای بآب داده اند پس از مدتی نشست و برخاست تصمیم گرفته اند برای حفظ نسل ماهی
حلال صید آزاد برای مدت سه سال در سرتاسر کناره دریای خزر و رودخانه های که باین دریا میریزد ممنوع کنند
و در صدد تحصیل مجوز قانونی هم برای اینکار هستند . اقدام مشمخ این روشنفکران قلابی مبتنی برین استدلال است
که حفظ ماهی که نسلهای آینده نیز در آن سهیم هستند لازم است .

از این نوکران جوان هیات جاکمه باید پرسید چرا این استدلال را در مورد نفت و مصرف در آمد آن بکار نمیبرند
و اصولا تکلیف ماهیگیرانی که زندگی خود را ازین راه تامین میکنند و تعداد آنها هم بسیار زیاد است چیست
اگر استفاده نکردن از گوشت ماهی را در سه سال آینده برای مصرف کنندگان ماهی بپذیریم پذیرفتن بیچارگی و فقر
ناشی ازین بیکاری برای ماهیگیران زحمتکش شمال غیر انسانی و غیر قابل تصور است نمیتوان اجازه داد که گروه
عظیمی از مردم میهن ما بدون آنکه اندیشه ای برای تامین زندگی آنها بشود از تهیه قوت لایموت خود بهر سیل
تنها ممر ممکن ممنوع گردند اینهم یکی دیگر از ابتکارات دار و دسته منصور است که فقر و بیکاری را در میان مردم
رواج میدهد .